

سریال‌های خانوادگی تلویزیون

ه‌روایت تصویر

کارگردانی و علی خودسیانی تهیه کرده بود.

دردسرهای آقای پورحاتم

ماجرای سریال دردسروالدین از جایی آغاز می‌شد که علی پورحاتم که چهارفرزند دارد، همسرش را از دست داده و با چالش‌هایی در ارتباط با این فرزندان روبه‌رو می‌شود. او با زنی به نام ایران یزدان پناه آشنا می‌شود که سه فرزند

دارد و با چالش‌های مشابهی مواجه شده است. تصمیم علی و ایران برای ازدواج، با مخالفت فرزندان همراه می‌شود و در نهایت چالش‌هایی را رقم می‌زند. دردسرهای والدین در سال ۱۳۸۰ به کارگردانی مسعود نوابی تولید و روانه آنتن شد.

دردسرهای عظیم لطیف

دردسرها فقط مخصوص والدین نیست و گاهی هم دامنه‌اش را به زندگی یک جوان می‌کشاند. درست مثل مجموعه دردسرهای عظیم که ماجراهای تشکیل خانواده جوانی به نام لطیف بود. این مجموعه با نمایش نگرانی خانواده‌های مختلفی که در یک خانه بزرگ باهم زندگی می‌کنند پیش می‌رفت و در نهایت به قصه علاقه‌مندی لطیف و بهار منتهی می‌شد. لطیف گرچه در ادامه با چالش‌های مختلفی در پیدا کردن شغل و شرایط مناسب ازدواج روبه‌رو

می‌شود اما همه همسایه‌هایش از عطا میرزاده و دریا خانم تا خانواده بهار تلاش می‌کنند به او کمک کنند تا مفهوم واقعی خانواده ایرانی را به مخاطب نشان دهند.

در پناه خانواده

مریم افشار، دانشجوی رشته هنر است که پسر مذهبی دانشگاه به نام محمد عاشق او می‌شود و درست وقتی می‌خواهد از او خواستگاری کند، با درخواست هم‌دانشگاهی دیگرش یعنی رامین مواجه می‌شود. این روایت ساده از سریال در پناه تو، بهانه‌ای بود برای نشان دادن خانواده و پیوندهای واقعی خانه‌های ایرانی. این مجموعه به کارگردانی حمید لیخنده، در زمان خود با استقبال بسیاری از مخاطبان همراه شد و توانست توجه تماشاگران را به خود جلب کند.

بازیگرانی همچون سعید پورصمیمی، ایرج راد، ثریا قاسمی، مرحوم حسن جوهرچی، لعیا زنگنه و پری امیرحمزه در این مجموعه نقش‌آفرینی می‌کردند. نوع چادر سر گرفتن مریم به عنوان شخصیت اصلی سریال و رفتار شخصیت‌هایی که به دلیل وجهه دانشجویی خود بسیار مثبت و فرهنگی بودند باعث شده بود در پناه تو مورد توجه بسیاری از مخاطبان قرار گیرد.

دورهم مثل پایتخت

مگر می‌شود در اشاره به سریال‌های خانوادگی، یادی از خانواده نقی معمولی نکرد؟ خانواده پرجمعیت سریال پایتخت یکی از آن خانواده‌هایی بود که به خوبی نشان داد؛ می‌شود سختی کشید اما کنار خانواده ماند. روایت خانواده نقی معمولی و شیرگاه شمال کشور، نمایش لهجه‌ها و فرهنگ مردم خطه مازندران و نشان دادن سادگی مردم روستایی، از جذابیت‌های پایتخت برای مخاطبان بود. فصل اول سریال، ماجرای خانواده نقی معمولی را روایت می‌کرد که تصمیم می‌گرفتند از علی‌آباد به تهران کوچ کنند اما پس از ورود به پایتخت با مشکلات زیادی مواجه می‌شدند، چرا که صاحبخانه می‌میرد و وراثت حاضر به تحویل خانه نمی‌شدند، به این ترتیب در پی مشکلاتی که در تهران برای آنها پیش می‌آید مجبور می‌شدند مدتی را در کامیون ارسطو (احمد مهران‌فر) زندگی کنند. پایتخت در هر فصل، به نمایش یک چالش می‌پرداخت که پیش روی خانواده معمولی قرار می‌گرفت.

خانه به دوشی آقا ماشا...

ماجرای خانواده آقا ماشا... یادتان هست؟ همان آقا ماشا... هندوانه فروش که عاشق زن و بچه‌هایش بود. سریال خانه به دوش با روایت این خانواده نمایش زندگی فرد فقیری بود که مشکلات مالی او را در وضعیت سختی قرار می‌داد و برای نجات خانواده‌اش از فقر، به هر کاری روی می‌آورد.

او در نهایت مجبور می‌شد تظاهر کند که به مالزی رفته تا خانواده فقیرش را قدری از وضعیت فعلی‌شان نجات دهد. نمایش سادگی شخصیتی مثل آقا ماشا...، روایتگر چالش‌ها و شیرینی‌های یک خانواده ایرانی بود که پول کم داشتند اما حال‌شان خوب بود.

ترش و شیرین‌های خانواده ایرانی

سریال ترش و شیرین با دست‌فرمانی مشابه سریال خانه به دوش، روایت متفاوتی از خانواده‌های ایرانی را نشان می‌داد. این مجموعه ابتدا با نمایش نصرت خانم که زنی متکی به خود و ترشی‌فروش بود، وارد قصه می‌شد و بعد دوگانگی دو خانواده را نشان می‌داد. داستان از جایی شروع می‌شد که مهلت خانه اجاره‌ای نصرت خانم به سر می‌آمد و او مجبور بود به خانه‌ای دیگر نقل مکان کند اما این جابه‌جایی باعث بروز ماجراهایی می‌شد که مسیر زندگی نصرت خانم و خانواده‌اش را تغییر می‌داد. این سریال مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و طبق نظرسنجی نوروز ۱۳۹۲ که از طرف شبکه یک سیما صورت گرفت، از سریال‌هایی بود که مورد پسند مخاطبان قرار گرفته و رتبه سوم را در بین سریال‌های طنز نوروزی به خود اختصاص داد.

خانواده‌ای در آمپاس!

سریال دودکش را هم باید از دیگر مجموعه‌های با حال و هوای خانواده ایرانی دانست. دودکش در واقع روایتگر زندگی افراد در قالب طنز بود؛ افرادی که با مشکلات مالی و دیگر درگیری‌های زندگی‌شان، دست و پنجه نرم می‌کنند. بعضی از آنان مثل فیروز به خدا توکل می‌کنند و دست روی زانو گذاشته، از جای برمی‌خیزند و بعضی دیگر مثل نصرت، برادر همسر او نگاه‌شان را به دست دیگران می‌دوزند. قصه اصلی دودکش مربوط به فیروز، مرد خانواده دوستی بود که همراه خانواده و آشنایانش، یک قالیشویی را اداره می‌کند اما با پلمب شدن محل کار و زندگی او توسط مأموران شهرداری، دردسرهایش دوچندان می‌شود. محل وقوع اصلی داستان، همان قالیشویی بود که اتفاقات بامزه زیادی در آنجا رخ می‌داد. بازی هنرمندان محبوب و کاربلد تلویزیون یعنی هومن برق‌نورد، بهنام تشکر و امیرحسین رستمی، سریال را به سمتی پیش می‌برد که مخاطب با آن ارتباط برقرار کند. دودکش به کارگردانی محمدحسین لطیفی، تهیه‌کنندگی زینب تقوایی و نویسندگی برزو نیک‌نژاد و حسن وارسته بود و توانست توجه بسیاری از مخاطبان را به سمت خود بکشد. تکیه کلام‌هایی مثل در آمپاس بودن که فیروز تکرار می‌کرد، توانست جای خود را در دل مخاطبان باز کند.

هاشم آقا گریخت

مرحوم سیروس گرجستانی از آن دست بازیگرانی بود که به راحتی می‌توانست نقش پدری دلسوز را بازی کند. درست مثل سریال متهم گریخت که هاشم آقا را به تصویر کشاند. هاشم آقا و خانواده‌اش در شهرستانی نه چندان دور از تهران زندگی ساده‌ای داشتند. این مرد در مغازه‌ای اجاره‌ای به تعمیر اگزوز مشغول بود. پس از شدت گرفتن بیماری قلبی خود، اعظم، دختر دانشجویش در تهران به او پیشنهاد می‌داد که به تهران نقل مکان کنند تا کار راحت‌تری برای امرار معاش انجام دهد. هاشم آقا ناچار کارش را تعطیل و همراه خانواده‌اش به تهران نقل مکان می‌کرد که پس از آن با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شد. خانواده هاشم آقا با روایتی که مرحوم گرجستانی از چالش‌های یک خانواده داشت، مورد توجه بسیاری از مخاطبان قرار گرفت و توانست تصویری تماشایی از خانواده واقعی ایرانی را نشان دهد.

